



Conceptual Network of Financing in Islamic Seminaries Based on Foundational Documents of the Hawzah and Clergy

Mahdi Roā'yāee¹, Seyyed Reza Hosseini²
Hamidreza Maqsoodi³, Ali Sa'idi⁴

1. PhD in Economic Sciences (Islamic Economics specialization), Research Center for Social Sciences, Research Institute of Hawzah & University, Qom, Iran (Corresponding Author).

roayaei@rihu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Economics, Research Center for Social Sciences, Research Institute of Hawzah & University, Qom, Iran.

srhoseini@rihu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.

hr.maghsoodi@qom.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.

a.saeedi@qom.ac.ir

Received: 2024/02/14; Accepted: 2024/06/13

Extended Abstract

Introduction and Objectives: Economics, as a pivotal element of any organization and its driving force, plays a critical role in institutional sustainability. In the context of Islamic seminaries (Hawza) and the clerical institution, economic structures have faced numerous challenges in recent decades. Some of these challenges stem from historical legacies, while others emerged after the Islamic Revolution due to shifts such as reliance on state budgets and functional transformations within the clergy. These changes have rendered traditional financial systems inadequate for contemporary needs. Consequently, addressing the financing of Islamic seminaries in the modern era has become imperative.

This study focuses on the foundational documents of the Hawzah in the "Second Phase of the Revolution," including:

≠ Vision Document for Islamic Seminaries

≠ *Five-Year Plan of the Center for Hawza Management (2020–2024)*





≠ *Comprehensive Spatial Planning Document for Seminaries*

≠ *Charter of Islamic Seminaries (Principles, Policies, and Macro-Programs)*

≠ *Comprehensive Systems of Islamic Seminaries*

Scientific Roadmap of Islamic Seminaries

These documents serve as the primary framework guiding the clergy's activities and defining its strategic vision for achieving an optimal financial ecosystem. The study aims to extract the principles and foundations of seminary financing based on these texts, as foundational documents are essential for shaping institutional research agendas. Specifically, it seeks to identify core economic and financial issues in education, research, and cultural activities within seminaries through a meticulous review of these sources.

Methodology: This research employs thematic analysis to examine the foundational documents of the Hawzah and clergy. Thematic analysis is a flexible and robust qualitative method for identifying, analyzing, and interpreting patterns within complex textual data. It organizes data into descriptive categories while also enabling deeper interpretation, transforming fragmented information into rich, detailed insights.

The process involved:

1. **Data Reduction:** Condensing textual data.
2. **Segmentation and Categorization:** Classifying content into thematic units.
3. **Synthesis and Reconstruction:** Reorganizing data to extract key concepts.

This approach ensures a comprehensive understanding of the documents, highlighting both recurring patterns and contextual nuances. The final output is a cohesive conceptual network that captures the essence of the texts.

Results: The thematic analysis of Hawzah documents yielded **219 basic themes**, consolidated into **25 organizing themes** and **four overarching themes**:

1. **Financing the Hawza and Livelihood of Seminarians** (Most prominent theme)

○ *Sub-themes:*

- Targeted financial support
- Preserving the dignity of clerics
- Training specialists for niche roles
- Public funding mechanisms
- Revival and development of endowments (*waqf*)
- Collaborative financing models
- Budgetary parity with other institutions
- Donations, vows (*nudhur*), and philanthropic contributions
- Optimization of existing financing methods
- Leveraging institutional capacities
- Sustainable and independent financing
- Livelihood security for seminarians

2. **Administrative and Managerial Reform**

○ *Sub-themes:*

- Necessity of innovation



Research Institute of
Hawzah and University

Journal of Economic Essays; an Islamic Approach (JEE)

Journal homepage: <https://jee.rihu.ac.ir/>



Original Article

- Prerequisites for constructive reform
- Separation of policymaking and management
- Effective governance
- Strategic foresight
- Engagement with elite expertise

3. Two-Way Engagement with the Public

○ *Sub-themes:*

- Grassroots connectivity
- Reliance on public and philanthropic resources
- Cultural advocacy for charitable giving
- Skill development to address societal needs

4. Mutual Support Between the Hawzah and State (While Preserving Independence)

○ *Sub-themes:*

- Institutional collaboration
- Political support for the state
- Safeguarding the Hawza's autonomy

Discussion and Conclusion: While themes like *financing* and *livelihood* directly address the research focus, the analysis reveals deeper intersections with institutional **independence** and **governance**. Key findings include:

≠ **Economic and managerial autonomy** is paramount, even amid state collaboration.

≠ **Administrative modernization** is critical for financial sustainability.

≠ **Strategic state engagement** is endorsed, provided it does not compromise the Hawza's independence.

The study concludes that a balanced, interdependent relationship between seminaries and the state is essential, with mutual support mechanisms that preserve institutional self-sufficiency.

Keywords: Islamic Seminary (*Hawza*), Foundational Documents, Financing, Thematic Analysis.

Cite this article: Mahdi Roā'yāee & Seyyed Reza Hosseini & Hamidreza Maqsoodi & Ali Sa'idi. (2025), "Conceptual Network of Financing in Islamic Seminaries Based on Foundational Documents of the Hawzah and Clergy", Journal of Economic Essays; an Islamic Approach, 22(45): 1-19.



استخراج شبکه مفهومی تأمین مالی حوزه‌های علمیه مبتنی بر اسناد بالادستی حوزه و روحانیت

مهدی رعایائی^۱ ، سیدرضا حسینی^۲
حمیدرضا مقصودی^۳ ، علی سعیدی^۴

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول می‌باشد.

این مقاله در فرایند تدوین خود از حمایت‌های مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت برخوردار بوده است.

۱. دکتری علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد اسلامی)، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

roayaei@rihu.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

srhoseini@rihu.ac.ir

۳. استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

hr.maghsoodi@qom.ac.ir

۴. استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

a.saeedi@qom.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

چکیده گسترده

مقدمه و اهداف: اقتصاد به‌عنوان یکی از محورهای مهم هر سازمان و به‌مثابه نیروی محرکه آن بسیار مهم و اثرگذار است. این محور در سازمان حوزه و نهاد روحانیت، در سالیان اخیر دچار چالش‌های متعددی شده که برخی از آنها میراث گذشته بوده و برخی نیز در پی پیروزی انقلاب اسلامی و تغییراتی چون به‌کارگیری بودجه دولتی و تغییرات کارکردی روحانیت حادث شده و در نتیجه منابع مالی سابق و نظامات آن را برای دوره جدید ناکارآمد نموده است. از این‌رو، پرداختن به مباحث تأمین مالی حوزه‌های علمیه در عصر حاضر ضروری به نظر می‌رسد. در این میان توجه به اسناد بالادستی این نهاد در گام دوم انقلاب از جمله سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، کلیات سند آمایش حوزه‌های علمیه، منشور حوزه‌های علمیه (اصول، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان)، نظام‌های جامع حوزه‌های علمیه، نقشه جامع علمی حوزه‌های علمیه و... می‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین جهت‌دهنده به مسیر فعالیت‌های سازمان روحانیت و تعیین‌کننده چشم‌انداز و راهبرد اساسی آن نهاد برای رسیدن به وضع مطلوب مورد توجه قرار گیرد. در واقع، این پژوهش به دنبال آن است که اصول و مبانی تأمین مالی حوزه‌های علمیه را براساس اسناد بالادستی حوزه و روحانیت بیان کند؛ زیرا اسناد بالادستی هر نهادی به‌عنوان تعیین‌کننده چشم‌انداز و راهبرد اساسی آن نهاد برای رسیدن به وضع مطلوب باید در تمامی پژوهش‌های اساسی آن نهاد مورد توجه قرار گیرد. استخراج مسائل اساسی نظام اقتصادی و تأمین مالی آموزش، پژوهش و فرهنگ در حوزه‌های علمیه نیز از این امر مستثنا نبوده و لازم است با بررسی دقیق این اسناد، اصول و مبانی تأمین مالی حوزه به‌صورت دقیق مشخص شوند.

روش: در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی اسناد بالادستی حوزه و روحانیت پرداخته شده و شبکه مضامین آن استخراج و





نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل می‌شود. روش تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش منعطف و مفید در تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این روش یکی از شیوه‌های کارآمد متن‌پژوهی مبتنی بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنادار موجود در داده‌های کیفی است که به تسهیل جستجوی الگوهای موجود در متن منجر می‌شود. روش تحلیل مضمون در حداقل خود، داده‌ها را سازماندهی نموده و آنها را در قالب جزئیات توصیف می‌کند؛ اما می‌تواند از این هم فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر نموده و داده‌های پراکنده و متنوع را تبدیل به داده‌های غنی و تفصیلی کند. مطابق روش تحلیل مضمون ابتدا داده‌های متن کاهش یافته و سپس بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و در نهایت، به‌نحوی بازسازی و بازتنظیم می‌شوند که به استخراج مفاهیم مهم موجود در مجموعه‌ای جدید از داده‌ها منجر شود. در نتیجه استفاده از این روش می‌توان به فهمی جامع و عمیق از داده‌ها و محتوای مورد بررسی دست یافت. در واقع، محصول نهایی تحلیل مضمون، شناسایی مفاهیم و فرایندهای موجود در داده‌ها، استخراج و توصیف الگوهای موجود در متن و ارائه آنها در قالب یک طرح کلان و یکپارچه است. به‌طور ایدئال تحلیل مضمون هم به الگوهای مشترک میان داده‌ها و هم به جنبه‌های زمینه‌ای پدیده مورد مطالعه در میان داده‌های مختلف توجه می‌کند و به چالش پژوهشگران جهت ارائه یافته‌های خود به صورت معنادار و مفید کمک می‌کند.

نتایج: در نتیجه اجرای روش تحلیل مضمون در اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه، ۲۱۹ مضمون پایه متناسب با موضوع شناسایی شد که به تولید ۲۵ مضمون سازمان‌دهنده و چهار مضمون فراگیر منجر شد که مضامین فراگیر عبارت‌اند از: لزوم ارتباط دوجانبه با مردم، حمایت متقابل حوزه و نظام در عین حفظ استقلال حوزه، تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب و تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی. مهم‌ترین مضمون فراگیر به‌دست‌آمده «تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب» است که ذیل آن دوازده مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد: هدفمند کردن حمایت‌های مالی، حفظ عزت و منزلت اجتماعی حوزویان، تربیت نیروی متخصص برای مشاغل خاص، تأمین مالی از طریق منابع عمومی، تأمین مالی از طریق احیای و توسعه موقوفات، تأمین مالی از طریق توسعه همکاری‌ها، استفاده از ردیف‌های بودجه مشابه با دیگر نهادها، تأمین مالی از طریق هدایا، نذورات و خیرین، بهبود و ارتقای روش‌های موجود تأمین مالی، استفاده صحیح از ظرفیت‌های موجود، تأمین مالی پایدار و مستقل و در نهایت، تأمین نظام معیشت و ارتقای آن. مضمون فراگیر بعدی، «تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی» است که ذیل آن مضامین سازمان‌دهنده لزوم تحول و نوآوری، لوازم و شروط تحول سالم و تکامل‌بخش، لزوم تفکیک سیاست‌گذاری از مدیریت، مدیریت قوی و کارآمد، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و در نهایت بهره‌مندی از نظرات و ظرفیت‌های نظام نخبگانی به دست‌آمده است. «ارتباط دوجانبه با مردم» مضمون فراگیر سوم است که چهار مضمون سازمان‌دهنده ذیل آن عبارت‌اند از: مرتبط و متصل بودن با مردم، اتکا بر منابع مردمی و خیرین، فرهنگ‌سازی و تبلیغ برای پرداخت تبرعات و وجوهات و ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌ها برای حل نیازهای جامعه اشاره کرد. در نهایت نیز ذیل مضمون فراگیر «حمایت متقابل حوزه و نظام در عین حفظ استقلال» سه مضمون سازمان‌دهنده توسعه همکاری‌ها و تعاملات، حمایت و پشتیبانی از نظام، و حفظ استقلال همه‌جانبه حوزه‌های علمیه به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری: با نگاه اولیه به مضامین فراگیر به‌دست‌آمده، ارتباط مضامینی مانند تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب با موضوع پژوهش یعنی مباحث مربوط به اقتصاد و تأمین مالی حوزه کاملاً مشخص است؛ اما در خلال بررسی مسائل اقتصادی و تأمین مالی چند مسئله نمود پیدا می‌کند که ارتباط وثیقی با بحث دارند؛ هرچند شاید اگر به‌صورت مجزا و مستقل در نظر گرفته شوند، بی‌ارتباط با موضوع به نظر برسند. بحث نخست استقلال و عدم وابستگی حوزه است که مهم‌ترین بخش آن، استقلال اقتصادی و استقلال در مدیریت حوزه‌های علمیه است. مسئله دوم، مضامین مربوط به نحوه مدیریت حوزه‌های علمیه است که باز به‌نوعی از همان استقلال حوزه‌های علمیه نشئت می‌گیرد. افزون‌براین، در بحث مدیریت، به لزوم تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی هم تأکید شده است. مسئله سوم هم که ناظر به هر دو وجه استقلال اقتصادی و استقلال مدیریتی حوزه‌های علمیه است، بحث چگونگی ارتباط حوزه‌های علمیه با نظام و دولت است که آیا اصلاً باید چنین ارتباط و تعاملی وجود داشته باشد؟! نتایج حاصل از شبکه مضامین به‌دست‌آمده از مرور اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که باید بین حوزه‌های علمیه و نظام و دولت ارتباط و تعامل دو طرفه وجود داشته باشد و این دو ملزم به حمایت از یکدیگر هستند؛ البته لازمه تعامل با نظام و دولت این است که خللی در استقلال حوزه به وجود نیاید و استقلال همه‌جانبه آن حفظ شود که این مهم در اسناد گوناگون مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی: حوزه علمیه، اسناد بالادستی، تأمین مالی، تحلیل مضمون.

استناد: مهدی رعایایی، سید رضا حسینی، حمیدرضا مقصودی، علی سعیدی (۱۴۰۴)، «استخراج شبکه مفهومی تأمین مالی حوزه‌های علمیه مبتنی بر اسناد بالادستی حوزه و روحانیت»، مجله جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، ۲۲(۴۵): ۱-۱۹.

۱. مقدمه

لازمه رشد و اعتلای هر تمدن، توجه دقیق به ابعاد نهادهای پیشران آن تمدن است. سازمان روحانیت به‌عنوان پیشران انقلاب اسلامی از این قاعده مستثنا نبوده و لازم است تمامی وجوه مادی، معنوی، آموزشی و تربیتی آن به‌گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که قدرت راهبری این نهاد را اعتلا بخشد. توجه به اسناد بالادستی این نهاد در گام دوم انقلاب از جمله بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سند چشم‌انداز حوزه و روحانیت و منشور حوزه‌های علمیه می‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین جهت‌دهنده به مسیر فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی سازمان روحانیت باشد. بنابراین، در پژوهش حاضر، از این منظر به مسئله اقتصاد حوزه‌های علمیه پرداخته شده است. در چنین شرایطی و به‌منظور تنظیم و سامان‌بخشی به مسائل اقتصادی حوزه علمیه به‌عنوان یک نهاد دانشی و همچنین فرایند تعاملات درونی و بیرونی میان حوزویان و دیگر بخش‌های جامعه و به‌ویژه حکومت و صاحبان تأمین مالی، لازم است با مرور منابع دین و با بررسی دقیق الگوهای تأمین مالی علم و تأمین مالی فرهنگ در تمدن اسلامی، اقتصاد علم و اقتصاد فرهنگ متناسب با حوزه علمیه را طراحی و اجرا کرد.

در وضعیت فعلی، تأمین مالی حوزه علمیه از راه‌های مختلفی انجام می‌شود. بخشی از تأمین مالی حوزه علمیه از طریق وجوه شرعی و نظام مرجعیت تأمین می‌شود. بخشی از بودجه رسمی حوزه از محل اوقاف است و دولت نیز سهم درخوری در تأمین نیازهای مالی حوزه ایفا می‌کند. به‌علاوه، بازاریان، خیرین و بنگاه‌های خصوصی فراوانی نیز با انگیزه‌های شرعی و احساس تکلیف مقدس شرعی، خود را موظف به انواع پشتیبانی از حوزه‌های علمیه می‌دانند. البته با وجود منابع یادشده، مشاهدات اولیه نشان‌دهنده آن است که منابع پیش‌گفته، در مقایسه با منابعی، که سایر ادیان الهی و غیرالهی برای حفظ و گسترش خود جذب می‌کنند، بسیار اندک است. همچنین این منابع در مقایسه با مبالغی که سایر مذاهب اسلامی تأمین می‌شود نیز قابل ذکر نیست.

در چنین شرایطی و با وجود این محدودیت‌ها گاه و بیگاه از جانب برخی از افراد و جریان‌ها، اطلاعات نادرستی در زمینه حجم بودجه مراکز حوزوی منتشر می‌شود و در تخصیص سهم حوزه از بودجه عمومی کشور اختلالات جدی ایجاد می‌کند. باوجوداینکه در اسلام این همه بر مسئله علم‌آموزی و تولید علم تأکید شده و براساس همین تأکید تلاش‌های علمی فراوانی نیز صورت گرفته و درحال حاضر هم در حال انجام است، اما ضوابط حاکم بر خود علم‌آموزی و تولید علم از جمله ضوابط اقتصادی آن هنوز به‌صورت کامل روشن نیست؛ بنابراین، این پژوهش درصدد تبیین این ضوابط در حد توان است.

این پژوهش به‌دنبال آن است که اصول و مبانی تأمین مالی حوزه‌های علمیه را براساس اسناد بالادستی حوزه و روحانیت بیان کند. اسناد بالادستی هر نهادی به‌عنوان تعیین‌کننده چشم‌انداز و راهبرد اساسی آن نهاد برای رسیدن به وضع مطلوب باید در تمامی پژوهش‌های اساسی آن نهاد مورد توجه قرار گیرد. استخراج مسائل اساسی نظام اقتصادی و تأمین مالی آموزش، پژوهش و فرهنگ در حوزه‌های علمیه نیز از این امر مستثنا نبوده و لازم است با بررسی دقیق این اسناد، اصول و مبانی تأمین مالی حوزه به‌صورت دقیق مشخص شوند. بدین منظور، مقاله حاضر بدین صورت تدوین شده که پس از مقدمه، پیشینه پژوهش بیان شده است. در ادامه به‌صورت مختصر به روش تحلیل مضمون اشاره می‌شود و سپس مراحل اجرای روش تحلیل مضمون در موضوع پژوهش تبیین و تدوین می‌شود. درنهایت نیز مبتنی بر شبکه مضامین مستخرج از اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه، یافته‌های پژوهش و تحلیل آنها تقدیم می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

نتیجه بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که هیچ اثر پژوهشی و علمی وجود ندارد که به بررسی و تحلیل اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه در رابطه با مسائل اقتصادی و تأمین مالی حوزه‌های علمیه پرداخته باشد.

۳. روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون به‌عنوان یکی از روش‌های مطرح برای تحلیل داده‌های کیفی در بسیاری از رشته‌های علمی و زمینه‌های پژوهشی به‌کار می‌رود. ویژگی این روش آن است که به‌صورت مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی می‌توان از آن استفاده کرد. افزون‌براین، تحلیل

مضمون برخلاف بیشتر روش‌های کیفی به یک چهارچوب نظری که از قبل وجود داشته باشد وابسته نیست و از آن می‌توان در چهارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، ص ۷۹). از این‌رو، روش تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش منعطف و مفید در تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این روش یکی از شیوه‌های کارآمد متن‌پژوهی مبتنی بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنا دار موجود در داده‌های کیفی است که به تسهیل جستجوی الگوهای موجود در متن منجر می‌شود.

روش تحلیل مضمون در حداقل خود، داده‌ها را سازماندهی نموده و آنها را در قالب جزئیات توصیف می‌کند؛ اما می‌تواند از این هم فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر نموده و داده‌های پراکنده و متنوع را تبدیل به داده‌های غنی و تفصیلی کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۷۸). مطابق روش تحلیل مضمون ابتدا داده‌های متن کاهش یافته و سپس بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و در نهایت به نحوی بازسازی و بازتنظیم می‌شوند که به استخراج مفاهیم مهم موجود در مجموعه‌ای جدید از داده‌ها منجر شود. در نتیجه استفاده از این روش می‌توان به فهمی جامع و عمیق از داده‌ها و محتوای مورد بررسی دست یافت. در این راستا پژوهشگر برای یافتن الگوهای معنا دار در میان داده‌ها، باید کل داده‌ها و متون مرتبط را بررسی و مرور کند (حسین‌عسکری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸).

به‌طورکلی، تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که داده‌های کیفی را تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی و یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید (گیون، ۲۰۰۸، ص ۸۶۷). باید توجه داشت که خروجی تحلیل مضمون فراتر از تهیه فهرستی از مضامین و شرح آنهاست. در واقع، محصول نهایی تحلیل مضمون، شناسایی مفاهیم و فرایندهای موجود در داده‌ها، استخراج و توصیف الگوهای موجود در متن و ارائه آن‌ها در قالب یک طرح کلان و یکپارچه است. به‌طور ایدئال تحلیل مضمون هم به الگوهای مشترک میان داده‌ها و هم به جنبه‌های زمینه‌ای پدیده مورد مطالعه در میان داده‌های مختلف توجه می‌کند و به چالش پژوهشگران جهت ارائه یافته‌های خود به صورت معنا دار و مفید کمک می‌کند (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، ص ۷۹). به‌طور خلاصه تحلیل مضمون روشی است که به بهتر دیده شدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، سازمان یا گروه و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی کمک می‌کند (بویاتزیس، ۱۹۹۸، ص ۴۰).

۳-۱. فرایند و مراحل اجرای روش تحلیل مضمون در تحقیق

در روش تحلیل مضمون ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند. جمع‌آوری داده‌های مرتبط با بحث در هر یک از بخش‌ها از چند طریق صورت گرفته است. در روش نخست ابتدا کلیدواژه‌های مرتبط با بحث گردآوری و تدوین شدند و سپس براساس این کلیدواژه‌ها، به جستجو پرداخته شد. در روش دیگر نیز فهرست عناوین سخنرانی‌ها، جلسات، نامه‌ها، مصوبات و... بررسی شد و هر آنچه که مربوط به حوزه و روحانیت می‌شد با دقت بیشتر مطالعه شدند. در روش سوم با مطالعه کتب، مقالات، وبگاه‌های تخصصی حوزه و روحانیت (مانند شبکه اجتهاد، خبرگزاری حوزه، مباحثات، منهاج، اندیشه قم و...)، پایان‌نامه‌ها و... سعی در تکمیل داده‌های بحث شد. در همه مراحل از راهنمایی استادان و خبرگان این حوزه بهره گرفته شد.

پس از گردآوری داده‌ها از منابع معتبر، نوبت به مطالعه اصل داده‌ها و اطلاعات می‌رسد تا عبارات و مضامین آنها براساس مکتب و رویکرد منتخب پژوهش استخراج شود. توضیح آنکه مکاتب، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی در تحلیل مضمون وجود دارد. در روش تحلیل مضمون سه مکتب «کدگذاری پایا»، «کتابچه کد» و «تحلیل مضمون بازتابی» وجود دارد که ذیل هر یک از آنها نیز رویکردهای مختلفی به چشم می‌خورد. این رویکردها غالباً با مفهوم‌سازی متمایز و گاه کاملاً متفاوت از چستی مضمون، روش‌های شناسایی و توسعه مضمون و انجام کدگذاری از هم تشخیص داده می‌شوند (براون و دیگران، ۲۰۲۱، ص ۱۲۵). در پژوهش حاضر، از مکتب تحلیل مضمون بازتابی و رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شده است. تحلیل مضمون بازتابی یک فرایند شش مرحله‌ای شامل آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازنگری مضامین، تعریف و نامگذاری مضامین و در نهایت تدوین گزارش است. هر چند مراحل مذکور پشت‌سرهم و متوالی است و هر مرحله مبتنی بر مرحله قبلی شکل می‌گیرد، اما تحلیل مضمون فرایندی بازگشتی است

که در آن حرکت رفت و برگشتی بین مراحل ذکر شده وجود دارد (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۸۶).

به علاوه تحلیل مضمون فرایندی است که در طول زمان انجام می پذیرد. در واقع، هر چند بحث درباره کدگذاری، مدیریت داده‌ها و توسعه و پالایش مضامین و شناسایی الگوهای موجود در داده‌ها مانند مراحل ساده یک فرایند متوالی به نظر می رسد، ولی در عمل این گونه نیست و همه این مراحل به طور هم زمان در طول فرایند پژوهش صورت می گیرند. معمولاً در مراحل اولیه پژوهش تأکید بیشتری بر کدگذاری و مدیریت داده‌ها می شود و پس از جمع آوری داده‌ها و تمرکز پژوهشگر بر تحلیل آنها تأکید بیشتری بر شناسایی الگوها می شود؛ به همین دلیل به سختی می توان نقطه گذار از کدگذاری مضمون به تحلیل مضمون را شناسایی کرد (شیخ زاده و بنی اسد، ۱۳۹۹، ص ۸۰). نکته دیگر اینکه مراحل یاد شده قوانینی نیستند که به طور جدی و کامل باید رعایت شوند؛ بلکه تنها مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی و عملی هستند که به تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت می دهند و فرایند پیوسته بررسی داده‌ها را تسهیل می کنند (رحیمی مقدم، ۱۴۰۰، ص ۵۴).

مکتب تحلیل مضمون بازتابی بر نقش فعال پژوهشگر در فرایند تولید دانش تأکید می کند. در این رویکرد مضامین حاصل کار تحلیل قابل ملاحظه پژوهشگر هستند که برای کشف و شناخت معانی الگوها در مجموعه داده‌ها صورت می گیرد. هر چند نسبتاً کار آسانی است که مضامین به عنوان خلاصه‌های موضوعی از همان آغاز فرایند تحلیل تعیین شوند، اما به سختی می شود مضامین را به عنوان الگوهای مبتنی بر مفهوم پردازی در همان آغاز فرایند تحلیل شناسایی کرد؛ زیرا چنین کاری مستلزم درگیری عمیق (نزدیک و انتقادی) پژوهشگر با داده‌هاست تا بتواند از محتوای آشکار، ظاهری و سطحی داده‌ها عبور کرده و الگوهای وحدت بخش پنهان یا غیرمنتظره معانی را شناسایی کند. در واقع، هدف از تدوین مضامین در روش تحلیل مضمون خلاصه کردن دقیق و درست داده‌ها و به حداقل رساندن تأثیر ذهنیت پژوهشگر بر فرایند تحلیل نیست؛ بلکه هدف ارائه یک تفسیر منسجم و جذاب از داده‌های موجود در داده‌هاست (رحیمی مقدم، ۱۴۰۰، ص ۵۲).

به لحاظ رویکرد و گرایش نیز رویکردهای متفاوت و متعددی وجود دارد. برخی پژوهشگران مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله مراتب آنها در تحلیل مضمون، دسته بندی کرده اند؛ به نحوی که حدود چهارده دیدگاه در این زمینه ذکر شده است (شیخ زاده و بنی اسد، ۱۳۹۹، ص ۳۵-۴۷). مهم ترین دیدگاه‌هایی که در این پژوهش بدان توجه و استفاده شده عبارت‌اند از: دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین، انتخاب دیدگاه مضمون استقرایی (مبتنی بر داده) در مقابل مضمون قیاسی (مبتنی بر نظریه) و انتخاب دیدگاه مضامین پنهان در کنار مضامین مشهود. رویکرد شبکه مضامین که توسط آتراید استرلینگ در سال ۲۰۰۱ مطرح شده است، ذیل مکاتب گوناگون تحلیل مضمون به کار می رود. آنچه شبکه مضامین ارائه می کند یک نقشه شبیه تارنما به عنوان یک اصل سازمان دهنده و یک شیوه نمایش است. در رابطه با دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین باید گفت که داده‌های گردآوری شده از منابع داده‌ای مختلف به بخش‌هایی تقسیم می شوند که کوچک ترین واحد داده برای شناخت، کد و مضمون است. در واقع، از بخش‌های داده‌ای کدهایی استخراج می شوند و بر اساس کدها مضامین سطح اول استخراج می شوند که به عنوان مضامین پایه نام گذاری می شوند. مضامین پایه مبنی نکته مهم و برجسته‌ای در متن مرتبط با سؤال تحقیق هستند که با ترکیب آن‌ها مضمون سازمان دهنده ایجاد می شود. مضامین سازمان دهنده، مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و واسط میان مضامین پایه و مضامین فراگیر شبکه هستند. مضامین فراگیر نیز مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل هستند که در کانون شبکه مضامین قرار می گیرند (بیک خورمیزی، ۱۴۰۰، صص ۶۶-۶۷). فرایند تحلیل شبکه مضامین نیز شامل سه مرحله، شش گام و بیست اقدام است که در جدول ۱ بدان اشاره شده است.

جدول ۱: فرایند گام به گام تحلیل مضمون مطابق با روش تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
۱. تجزیه و توصیف متن	۱. آشنا شدن با متن	✓ جمع آوری و پیاده سازی داده‌ها (در صورت لزوم)؛ ✓ مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها؛ ✓ نوشتن ایده‌های اولیه؛
	۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	✓ پیشنهاد چهارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین؛ ✓ تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر؛ ✓ کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها؛

۳. جستجو و شناخت مضامین	✓ تطبیق کدها با قالب مضامین؛ ✓ استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن؛ ✓ پالایش و بازبینی مضامین؛
۲. تشریح و تفسیر متن	✓ بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج؛ ✓ مرتب کردن مضامین؛ ✓ انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر؛ ✓ ترسیم نقشه(های) مضامین؛ ✓ اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین؛
۴. ترسیم شبکه مضامین	✓ تعریف و نامگذاری مضامین؛ ✓ توصیف و توضیح شبکه مضامین؛
۵. تحلیل شبکه مضامین	✓ تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین؛ ✓ استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه از داده‌ها؛ ✓ مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و مبانی نظری؛ ✓ نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها؛
۶. تدوین گزارش	✓ ترکیب و ادغام متن

منبع: عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸.

همچنین در فرایند کدگذاری و استخراج مضامین در این پژوهش از گرایش استقرایی استفاده شده است که طی آن پژوهشگر فرایند تحلیل را از داده‌ها آغاز و از پایین به بالا کار می‌کند تا معانی را بدون تحمیل ایده‌ها شناسایی کند؛ البته کدگذاری استقرایی به این معنا نیست که تصور شود پژوهشگر با یک ذهن خالی سراغ تحلیل داده‌ها می‌رود؛ بلکه به این معناست که نقطه شروع تحلیل با داده‌هاست به‌جای اینکه با مفاهیم و نظریه‌های موجود باشد (تری و همکاران، ۲۰۱۷).

گرایش سومی که مورد توجه قرار گرفته، دیدگاه مضامین مشهود و پنهان است که باید تصمیم گرفته شود آیا مضامین در سطح آشکار و مشهود شناسایی شوند یا در سطح پنهان و مکنون؟ (بویاتریس، ۱۹۹۸). مضامین در سطح مشهود با توجه به معانی ظاهری یا آشکار داده‌ها شناسایی می‌شوند و تحلیلگر به دنبال شناسایی چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد نیست؛ درحالی‌که در سطح پنهان تحلیل مضمون فراتر از معانی مشهود و آشکار محتوای داده‌ها بوده و ایده‌ها، مفروضات و مفاهیم نهفته در داده‌ها را شناسایی و ارزیابی می‌کند که شکل‌دهنده محتوای صریح داده است (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، ص ۳۸-۳۹). در پژوهش حاضر افزون بر مضامین مشهود به مضامین پنهان نیز توجه شده است. در این زمینه سعی شد که از مواجهه سطحی و گزینشی با سخنان پرهیز شود و به‌صورت موشکافانه و دقیق بررسی شوند.

۲-۳. مضامین مرتبط با اقتصاد حوزه در اسناد بالادستی

با توجه به آنچه بیان شد، سه مرحله اصلی تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ترکیب و ادغام متن در روش شبکه مضامین وجود دارد که در ادامه فرایند یادشده روی داده‌های مربوط به اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه صورت گرفته است. مرحله نخست از فرایند تحلیل شبکه مضمون، سه گام اصلی آشنایی با متن، کدگذاری و درنهایت شناسایی مضامین را دربرمی‌گیرد. نخستین گام یعنی تجزیه و توصیف متن شامل چند اقدام است. در وهله نخست باید جمع‌آوری داده‌ها صورت بگیرد که در این رابطه تمامی اسناد بالادستی موجود و با دسترسی آزاد مانند منشور حوزه‌های علمیه، نظام‌های جامع حوزه علمیه، سند آمایش حوزه‌های علمیه، کلیات برنامه پنج ساله و... مطالعه شدند. پس از استخراج ایده‌ها و کدهای اولیه حین جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه اولیه آنها، اقدامات لازم برای ایجاد کدهای اولیه مانند تهیه قالب مضامین، تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر، کدگذاری داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت. سرانجام گام سوم این مرحله یعنی جستجو و شناسایی مضامین پس از طی اقداماتی مانند تطبیق کدها با قالب مضامین، استخراج مضامین پایه از بخش‌های کدگذاری شده و نهایتاً پالایش و بازبینی مضامین اولیه به‌دست آمده، تکمیل شد. در جدول ۲ به‌عنوان نمونه به برخی نتایج حاصل شده از طی گام‌های یادشده در مرحله اول روش شبکه مضامین اشاره شده است.

جدول ۲: روند انتزاع مضامین پایه از گزاره‌های منتخب از اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه

مضمون پایه	منبع	گزاره منتخب
✓ دارای اصالت و هویت مستقل سازمانی	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۴	دارای اصالت و هویت مستقل علمی، معنوی و سازمانی و دارای سنت‌های اصیل و بهره‌مند از تجارب گرانسنگ در ساحت‌های گوناگون و تولیدکننده سبک خاص در همه عرصه‌ها
✓ طراحی و استقرار نظام جامع مدیریتی	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۸	طراحی و استقرار نظام جامع مدیریتی حوزه‌های علمیه
✓ طراحی نظام جامع امور معیشتی طلاب	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۸	طراحی نظام جامع و نقشه کلان امور معیشتی طلاب و خانواده‌های آنها
✓ حفظ و توسعه موقوفات موجود ✓ ایجاد وقفیات جدید ✓ زمینه‌سازی جهت تأمین مالی در راستای سیاست خوداتکایی مالی	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۴۵	زمینه‌سازی جهت جذب و تأمین منابع مالی در راستای سیاست خوداتکایی مالی حوزه با تأکید بر حفظ و توسعه موقوفات موجود و ایجاد وقفیات جدید با ارائه طرحی جامع در این زمینه
✓ تدوین نظام جامع تأمین مالی منابع مالی پایدار	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۴۵	تکمیل طرح تدوین نظام جامع تأمین مالی پایدار حوزه‌های علمیه و زمینه‌سازی برای استقرار آن
✓ بهره‌مند از روش‌های سنتی و نوین	نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۵	بهره‌مند از روش‌های سنتی و نوین در جذب و تأمین منابع مالی
✓ حفظ استقلال، کرامت، منزلت و رعایت شئون روحانیت	نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۷	حفظ استقلال، کرامت، منزلت و رعایت شئون روحانیت و حوزه‌های علمیه
✓ جلب حمایت‌های مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم) در استفاده از وجوهات شرعیه در اداره امور حوزه	نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۷	جلب حمایت‌های مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم) در استفاده از وجوهات شرعیه و کسب اجازه برای مصرف بخشی از وجوهات در اداره امور حوزه‌های علمیه
✓ خودکفایی مالی با ایجاد و گسترش منابع پایدار ✓ هدایت حمایت‌های مالی جهت ایجاد زیرساخت‌ها و هزینه فعالیت حوزه‌ها	سند آمایش حوزه‌های علمیه، ص ۲۸	سازمان فضایی مطلوب حوزه‌های علمیه در افق آمایش: خودکفایی مالی از طریق ایجاد و گسترش منابع پایدار و هدایت حمایت‌های مالی دولتی و غیردولتی جهت ایجاد زیرساخت‌ها و تأمین هزینه فعالیت حوزه‌های علمیه، راهبرد مسلط بر تأسیس و توسعه حوزه‌های علمیه در سراسر کشور شده است؛
✓ تقویت تعامل حوزه با نظام اسلامی	سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۲۸	تقویت تعامل نظام‌یافته و هدفمند حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی و جوامع هدف؛
✓ تعامل مؤثر و هدفمند با سازمان‌های همسو در سطح ملی و فراملی	سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۴۵	ایجاد سازکار رسمی و کارآمد برای تعاملات و ارتباطات سنجیده و هدفمند و تعریف‌شده میان حوزه‌های علمیه و نهادها و سازمان‌های همسو در سطح ملی و فراملی
✓ حفظ استقلال همه‌جانبه حوزه	کاروبزه‌های روحانیت، ص ۱۶	تأکید بر حفظ استقلال همه‌جانبه حوزه‌های علمیه

منبع: یافته‌های پژوهش

با اجرای مرحله دوم در رویکرد شبکه مضامین یعنی مرحله تشریح و توصیف متن، چهار مضمون فراگیر استخراج شد که عبارت‌اند از: «ارتباط دوجانبه با مردم»، «حمایت متقابل حوزه و نظام در عین حفظ استقلال حوزه»، «تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب» و «تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی». ذیل هر یک از مضامین فراگیر نیز مضامین سازمان‌دهنده متعددی وجود دارد. با توجه به محدودیت‌های حجم مقاله، به‌عنوان نمونه در جدول ۳، بخشی از نتایج حاصل از استخراج و شناسایی مضمون فراگیر «لزوم تأمین معیشت طلاب» و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با آن به نمایش درآمده است.

جدول ۳: بخشی از مضمون فراگیر ۳: تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	منبع
تأمین نظام معیشت و ارتقای آن	✓ اجرای نظام حمایت از فعالیت‌ها و محصولات علمی حوزه‌های علمیه	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۰
	✓ طراحی نظام معیشت پژوهشگران	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۱
	✓ تدوین نظام معیشت مبلغان	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۵
	✓ طراحی نظام جامع امور معیشتی طلاب ✓ هدفمندی خدمات و تسهیلات به طلاب ✓ ارتقای شاخص‌های خدماتی و معیشتی ✓ ایجاد آرامش روانی و معیشتی طلاب	منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۸

مشور حوزه‌های علمیه، ص ۸۸	✓ ارتقای سطح معیشت طلاب
نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۹۹	✓ تدوین و رشد شاخص‌های مطلوب خدماتی و معیشتی
نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۹۹	✓ اهتمام به امنیت‌بخشی معیشتی طلاب
کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳ ص ۶۴	✓ ارتقای جایگاه و سطح معیشتی مبلغان با تأکید بر بهره‌مندی از منابع مردمی و منابع پایدار
کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳ ص ۷۱	✓ برخوردار از طلاب دارای آرامش فکری از طریق ارائه هدفمند خدمات رفاهی و تأمین ضروریات معیشتی با بهره‌گیری از روش‌های جدید و تأکید بر حفظ کرامت
اساسنامه شورای عالی حوزه‌های علمیه	✓ ارتقای کیفی امور معیشتی حوزه‌های علمیه ✓ برنامه‌ریزی در امور معیشتی ✓ تصویب طرح‌های حل مشکل مسکن طلاب
سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه ص ۲۹	✓ حمایت مادی و معنوی از عناصر فرهیخته و متعهد به ارزش‌های حوزه و نظام ✓ حمایت و صیانت از محققان و نخبگان
سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۴۶	✓ ساماندهی و اجرای طرح‌های جامع مسکن طلاب
مشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۸	✓ اهتمام به خدمت‌رسانی به طلاب با حفظ کرامت و عزت
مشور حوزه‌های علمیه، ص ۸۹	✓ ارائه طرح جامع مسکن طلاب ✓ ارائه طرح بسته حمایتی از فرزندآوری
مشور حوزه‌های علمیه، ص ۹۰	✓ ارائه خدمات ویژه به طلاب معمر، از کار افتاده و یا حادثه‌دیده
نظام‌های جامع حوزه علمیه ص ۹۶	✓ بهره‌مند از منابع مالی پایدار در انجام امور خدماتی حوزویان

منبع: یافته‌های پژوهش

تدوین گزارش آخرین مرحله از روش تحلیل مضمون است که طی آن به تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در بخش قبلی مقاله مشاهده شد، در نتیجه تحلیل مضمون صورت گرفته بر روی اسناد بالادستی حوزه و روحانیت در رابطه با مبانی و اصول تأمین مالی حوزه‌های علمیه، چهار مضمون فراگیر استخراج شده است که در ادامه ذیل عنوان یافته‌های پژوهش تبیین و تشریح می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. ارتباط دوجانبه با مردم

نخستین نکته و مؤلفه‌ای که از بررسی مجموع اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه در این رابطه به چشم می‌خورد، همان بحث مرتبط و متصل بودن با مردم و دستگیری و کمک به آنهاست: «مرتبط با توده‌های متدین و همه طبقات در جوامع بشری و یاور مظلومان و مستضعفان» (مشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۵). از این رو، هم در نظام جامع امور طلاب و دانش‌آموختگان و هم در نظام جامع تأمین منابع مالی پایدار نسبت به ایجاد و ارتقای ارتباط حوزویان با مردم توصیه شده است. اهمیت این مسئله را می‌توان در این امر برشمرد که تأمین بخشی از نیازهای مالی روحانیت به‌ویژه در امور تبلیغی از طریق وجوهات مردمی و کمک‌های خیرین است. در نظام جامع تأمین منابع مالی پایدار نیز تأمین حداقلی از مصارف و هزینه‌های حوزه از این محل به‌عنوان چشم‌انداز تصویر شده است: «نظام جامع منابع مالی پایدار حوزه‌های علمیه در افق ۱۴۰۴ نظامی است: ... تأمین‌کننده حداقلی از مصارف و هزینه‌های حوزه از محل موقوفات، منابع پایدار و خیرین» (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۵). از این رو، فرهنگ‌سازی و تبلیغ برای پرداخت تبرعات و وجوهات باید به‌عنوان یکی از لوازم تحقق این مهم مورد توجه قرار داده شود. این مهم در اسناد متعددی مانند منشور حوزه‌های علمیه، نظام‌های جامع حوزه علمیه و کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه اشاره شده است. به‌عنوان نمونه، در منشور حوزه‌های علمیه «تقویت بنیاد خیرین حوزه‌های علمیه و فرهنگ‌سازی و تشویق خیرین جهت مشارکت در تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی» به‌عنوان اولویت‌ها و برنامه‌های اختصاصی مدیر دفتر موقوفات و منابع پایدار ذیل پیوست احکام معاونان، مدیران و مسئولان مراکز و واحدهای وابسته ذکر شده است.

وجه دیگر تعامل با مردم، لزوم توجه به نیازهای مردم و جامعه و تلاش برای حل آنهاست. لازمه این مهم ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌ها برای حل نیازهای جامعه است که به صورت متعدد در اسناد بالادستی توجه شده است. یکی از اهداف شورای عالی حوزه‌های علمیه که در اساسنامه آن ذکر شده «توانمندسازی هرچه بیشتر حوزه‌ها، در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جوامع بشری» است. این نکته در منشور حوزه‌های علمیه با عباراتی مانند پاسخگویی به نیازهای بشری و نقش آفرین در عرصه‌های اجتماعی بیان شده و لازمه تحقق آن در مسائلی مانند تکمیل شرح شغل و شاخص‌های دانشی و مهارتی، ایجاد پایگاه کارآفرینی برای توانمندسازی طلاب، برنامه‌ریزی به منظور ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی و... مورد توجه قرار گرفته است. همچنین این مسئله در سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه نیز ذیل راهبرد کلان ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور عالمانه و اجتهادی حوزه و حوزویان در عرصه‌های گوناگون برای تأمین نیازهای دینی فردی و اجتماعی و حاکمیتی بدین صورت تدوین شده است: «تأمین نیازهای نظری و کاربردی جامعه و نظام اسلامی، با طرح موضوعات و مسائل آن‌ها در مباحث اجتهادی حوزه» (سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۱۹).

۴-۲. حمایت متقابل حوزه و نظام در عین حفظ استقلال حوزه

تحلیل مضامین حاصل از بررسی اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه بیانگر آن است که بخشی از این اسناد ناظر به لزوم توسعه همکاری‌ها و تعاملات حوزه‌های علمیه با دیگر بخش‌ها و ارگان‌های نظام و دولت است. این مسئله خود از ضرورت و لزوم حمایت و پشتیبانی حوزه‌های علمیه از نظام نشئت می‌گیرد که در سخنان حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بارها تأکید شده است؛ اما لازمه تعامل با نظام و دولت این است که خللی در استقلال حوزه به وجود نیاید و استقلال همه‌جانبه آن حفظ شود که این مهم در اسناد گوناگون مورد توجه بوده است. با توجه به آنچه بیان شد، به ترتیب سه مسئله توسعه همکاری و تعاملات، حمایت و پشتیبانی حوزه‌های علمیه از نظام و حفظ استقلال حوزه به ترتیب مطرح می‌شوند.

نخستین مسئله یعنی توسعه همکاری‌ها و تعاملات در اسناد متعددی مطرح شده است. به عنوان نمونه، استقرار الگوی مطلوب در تعاملات حوزه با نظام و سازمان‌ها و همچنین، ایجاد جایگاه قانونی برای حضور طلاب در کارویژه‌های روحانیت در نظام به عنوان راهبردهای جهت‌دهنده ناظر به پشتیبانی از نظام اسلامی در سند آمایش حوزه‌های علمیه ذکر شده است (سند آمایش حوزه‌های علمیه، ص ۲۵). همچنین، در منشور حوزه‌های علمیه ایجاد هماهنگی میان حوزه و دیگر سازمان‌ها و نهادها بدین صورت مطرح شده است: «اهتمام به ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین نهادها، سازمان‌ها و مراکز حوزوی با دیگر سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با کارکردهای حوزه» (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۹). این نکته به صورت مصادیقی در مسائلی مانند آموزش و پژوهش تأکید شده است: «شبکه‌سازی مؤسسات آموزشی و پژوهشی در عرصه انسانی اسلامی، برای افزایش هماهنگی و همکاری و تقویت تحقیقات میان‌رشته‌ای از راه اشتراک امکانات و تجهیزات، تقسیم کارهای پژوهشی و جذب نخبگان علمی» (سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۵۷).

حمایت و پشتیبانی حوزه‌های علمیه از نظام که هم در سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام و هم در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بدان اشاره شده بود، در اسناد بالادستی نیز توجه شده است. به عنوان نمونه، در سند نظام‌های جامع حوزه‌های علمیه، حمایت حوزه از نظام جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اهداف کلان نظام جامع امور اجتماعی - سیاسی حوزه‌های علمیه مطرح شده است: «حمایت حوزه از نظام جمهوری اسلامی و هدایت مستمر ارکان نظام و دولتمردان به سوی آرمان‌های ناب و متعالی الهی و پیشگیری از هرگونه کندی یا انحرافات احتمالی» (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۵۲). از جمله مهم‌ترین مصادیق حمایت حوزه‌های علمیه از نظام نیز می‌توان به مواردی مانند تأمین و تبیین محتوای دینی مورد نیاز نظام، حفظ و تقویت جهت‌گیری‌های اصلی نظام، تأمین نیروی مورد نیاز جامعه و نظام اسلامی اشاره کرد که در اسناد مختلفی توجه شده است.

همچنین، در برخی موارد هم به عوامل مؤثر در تحقق این مهم اشاره شده است. عواملی مانند توانمندسازی دانش‌آموختگان متناسب با نیازهای نظام، طراحی الگوی مطلوب تعامل حوزه با نظام و سازمان‌ها، حضور فعال در مراجع علمی و نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی، ارتباط سازنده روحانیت با مدیریت ملی، نظام‌مندسازی شناسایی نخبگان برای تأمین نیازهای نظام، تعیین جهت‌گیری‌های کلان در راستای

تحول حوزه و تحقق نیازهای جامعه و نظام اسلامی، اصلاح ساختار متناسب با نیازهای نظام، تعامل سازنده و حمایت‌گرانه از نظام اسلامی ... (سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، صص ۴۹-۵۰؛ منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۶؛ کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۲).

نکته پایانی در این بخش نیز حفظ استقلال حوزه است که باز هم به‌درستی و با توجه با تأکیدات دلسوزان حوزه‌های علمیه در اسناد بالادستی بدان توجه شده است. مفهوم استقلال حوزه‌های علمیه به شرح ذیل به تصویب شورای عالی حوزه‌های علمیه رسیده است: «استقلال حوزه‌های علمیه عبارت است از حق تصمیم‌گیری در حوزه مأموریت با رعایت نظرات مراجع معظم تقلید و مقام معظم رهبری حفظهم الله و جلوگیری از ورود دستگاه‌های بیرون از حوزه علمیه در تصمیم‌گیری‌ها، در عین ارتباط اثرگذار و سازنده با محیط پیرامون». مهم‌ترین ابعاد استقلال حوزه علمیه طبق این مصوبه عبارت‌اند از: استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی و استقلال فرهنگی. در تبیین استقلال اقتصادی نیز به دو نکته اصلی اشاره شده است: «خوداتکایی در تأمین معاش طلاب و عدم وابستگی به دولت و بودجه عمومی کشور در این زمینه» و «خوداتکایی در تأمین منابع مالی برای احداث و تجهیز حوزه‌های علمیه و انجام دادن مأموریت‌های محوله، ضمن برخورداری از حمایت‌های مالی نظام اسلامی» (مجموعه مصوبات شورای عالی حوزه‌های علمیه، مصوبه ۷۲۱، ۱۳۸۹/۱۰/۲۶).

بر اساس این، نهاد حوزه در تصمیم‌گیری‌هایش نیازمند تنفیذ دستگاه‌های بیرونی و هماهنگی با هیچ دستگاهی نیست؛ یعنی صرفاً اراده خودش بر امور حاکم است. در سند کارویژه‌های روحانیت نیز به این نکته اشاره و اذعان شده است که بر اساس اسناد بالادستی و رهنمودهای امام‌المجتبى رهبری (مدظله‌العالی) و بزرگان، «تأکید بر حفظ استقلال همه‌جانبه حوزه‌های علمیه» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های مورد استفاده در تنظیم کارویژه‌های روحانیت در عرصه حوزه‌های علمیه مورد توجه بوده است (کارویژه‌های روحانیت، ص ۱۶). همچنین، در اساسنامه شورای عالی حوزه‌های علمیه، حفظ همه‌جانبه استقلال حوزه به‌عنوان یکی از اهداف این شورا بیان شده است: «حفظ استقلال حوزه در تمام جهات، طبق توصیه‌های امام امت و مقام معظم رهبری و مراجع عظام».

در منشور حوزه‌های علمیه نیز بیان شده است که حوزه‌های علمیه باید مستقل از قدرت‌ها و جریان‌های اجتماعی و دارای اصالت و هویت سازمانی مستقل باشند و از این مسئله به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین حوزه یاد شده است (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۴). در سایر اسناد نیز به استقلال، خوداتکایی و خودباوری، حفظ استقلال، کرامت، منزلت و رعایت شئون روحانیت و پرهیز از وابستگی به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی اشاره شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، صص ۹۷ و ۱۱۷).

۴-۳. تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب

برخی مطالب اسناد بالادستی ناظر به حوزه‌های تأمین مالی و تأمین معیشت طلاب است که می‌توان آنها را ذیل چند بخش اصلی دسته‌بندی نمود: دسته نخست مباحث مربوط به تأمین و ارتقای نظام معیشتی طلاب است. دسته دوم ناظر به روش‌های مختلف قابل استفاده برای تأمین مالی حوزه‌های علمیه است. در نهایت نیز مباحث متعددی ناظر به ملاحظات دو بخش پیشین است. در دسته نخست مسائل متعددی مانند طراحی نظام جامع امور معیشتی طلاب، هدفمندی خدمات و تسهیلات به طلاب، ارتقای شاخص‌های خدماتی و معیشتی، ایجاد آرامش روانی و معیشتی طلاب و... مطرح شده است (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۸). همچنین در برخی از موارد به مصادیق این کمک‌های معیشتی اشاره شده است مانند: ارائه طرح جامع مسکن طلاب، ارائه طرح بسته حمایتی از فرزندآوری، ارائه خدمات درمانی برای بیمارهای خاص با استفاده از ظرفیت مرکز خدمات، خیرین و ظرفیت‌های عمومی، ارائه خدمات ویژه به طلاب معمر، ازکارافتاده و حادثه‌دیده و... (منشور حوزه‌های علمیه، صص ۸۹-۹۰).

مطابق آنچه که در کلیات برنامه پنج‌ساله آمده است، حوزه‌های علمیه باید در افق ۱۴۱۴، برخوردار از طلاب و روحانیون بانشاط، دارای آرامش فکری و سلامت جسمی و روانی از طریق ارائه هدفمند و متناسب خدمات و تسهیلات رفاهی، بهداشت و سلامت و تأمین ضروریات معیشتی، تقویت خدمات مشاوره و روان‌درمانی و حقوقی، طراحی و اجرای برنامه‌های ورزشی و ترغیب طلاب به ورزش با بهره‌گیری از روش‌ها، ابزارها و فناوری‌های جدید و تأکید بر حفظ کرامت، عزت، عدالت و رعایت زی طلبگی باشند (کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز

مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۱).

بخش دوم مباحث این مضمون فراگیر ناظر به روش‌هایی است که در فرایند تأمین مالی حوزه‌های علمیه می‌تواند مورد توجه و استفاده قرار بگیرد. یکی از روش‌های مورد توجه تأمین مالی از طریق هدایا، نذورات و تملیک اموال خیرین است؛ به‌نحوی که در منشور حوزه‌های علمیه، نظام‌های جامع حوزه‌های علمیه و کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه از آن یاد شده است. از جمله نکات مطرح‌شده در اسناد یادشده می‌توان به گسترش ارتباط با خیرین با محوریت مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها، ایجاد سازوکار مناسب برای جذب هدایا و نذورات، ایجاد سازوکار مناسب برای تملیک اموال از اشخاص حقیقی و حقوقی، جذب خیرین و واقفین جدید، تشکیل انجمن خیرین، بهره‌مندی از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مردمی و... اشاره نمود (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۴۵).

در چشم‌انداز نظام جامع منابع مالی پایدار حوزه‌های علمیه در افق ۱۴۰۴ آمده است که باید حداقل نیمی از مصارف و هزینه‌های حوزه از محل موقوفات، منابع پایدار و خیرین تأمین شود (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۵). روش دیگری که معمولاً در کنار روش یادشده بدان اشاره می‌شود و همراه و هم‌راستا با آن است، تأمین مالی از طریق احیا و توسعه موقوفات از طریق فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ وقف، بهره‌برداری صحیح از موقوفات حوزه، سوق کمک‌های اهدایی به‌سوی وقف، جذب موقوفات از طریق فضای مجازی و... است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، صص ۱۱۵-۱۱۸). همچنین برخی مطالب مطرح‌شده در این زمینه مثل جذب اعتبارات و امکانات عمومی برای ایجاد زیرساخت‌ها و فعالیت‌های عمرانی و همچنین ارائه خدمات درمانی برای بیمارهای خاص با استفاده از ظرفیت‌های عمومی را می‌توان ذیل عنوان تأمین مالی از طریق منابع عمومی تنظیم نمود (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۴۵ و ۸۹).

روش دیگر که از بررسی اسناد بالادستی به‌دست می‌آید، تأمین مالی از طریق استفاده از سایر ردیف‌های بودجه مشابه با نهادهای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی است. به‌عنوان نمونه، باید زمینه لازم جهت بهره‌برداری حوزویان از ظرفیت‌های فرصت‌های مطالعاتی، بورس‌های تحصیلی و سایر مزایا در سطح ملی و فراملی ایجاد شود. از این‌رو، توصیه شده است که ظرفیت‌ها و قوانین کشوری به‌منظور جذب اعتبارات و امکانات شناسایی شود (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۴۱ و ۸۴). اقدام برای تحقق این ظرفیت می‌تواند از طریق توسعه همکاری‌ها با سایر نهادها و دستگاه‌های حوزوی و غیرحوزوی تسهیل شود. در واقع، تأمین مالی از طریق توسعه همکاری‌ها را می‌توان به‌عنوان روشی دیگر در نظر گرفت. به‌عنوان نمونه، این مسئله در پیوست احکام منشور حوزه‌های علمیه ذیل اولویت‌ها و برنامه‌های اختصاصی مسئول مرکز امور طلاب و دانش‌آموختگان ذکر شده است: «شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های نهادها، سازمان‌ها و امکانات بالقوه و بالفعل، فرهنگی، خدماتی و رفاهی و بسترسازی برای استفاده حوزویان» (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۹۰). همچنین، ذیل سیاست‌های کلان ناظر به نظام جامع تأمین منابع مالی پایدار آمده است که باید نسبت به ساماندهی نحوه و سطح ارتباط با نهادهای حاکمیتی و دولتی در پیگیری و تأمین منابع مالی حوزه‌های علمیه اهتمام کافی وجود داشته و از ظرفیت‌های انجام همکاری‌های موردی یا موضوعی با نهادها و سازمان‌ها استفاده شود (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۸).

نخستین ملاحظه‌ای که در این رابطه مشاهده می‌شود، بهره‌مندی از راهکارهای نوین تأمین مالی در کنار روش‌های سنتی است. به‌عنوان نمونه، در نظام جامع تأمین منابع مالی پایدار در افق ۱۴۰۴ چنین آمده است که دفتر موقوفات و منابع پایدار حوزه‌های علمیه باید «بهره‌مند از روش‌های سنتی و نوین در جذب و تأمین منابع مالی» باشد (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۱۵). در اساسنامه شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز بر بررسی شیوه‌های ارائه خدمات به حوزویان و بررسی طرح‌های مناسب تأسیس منابع مالی حوزه‌های علمیه تأکید شده است. همچنین سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه جهت بهبود فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای مدیریت بهینه منابع، شناسایی حداکثری منابع موجود و ظرفیت‌سازی منابع جدید در نهادهای داخلی و خارجی را توصیه می‌کند (سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۴۶). در واقع، تأکید بر استفاده صحیح از ظرفیت‌های موجود و بهبود و ارتقای آنها در کنار استفاده از روش‌های جدید تأمین مالی مورد توجه قرار گرفته است.

ملاحظه دیگر که از کنکاش در اسناد بالادستی در این رابطه به دست می‌آید، حفظ عزت و منزلت اجتماعی حوزویان در عین برخورداری از حمایت‌ها و خدمات است. در این رابطه در نظام جامع امور طلاب و دانش‌آموختگان بر «اهتمام بر خدمات‌رسانی برتر به

حوزویان با حفظ کرامت، عزت، عدالت و رعایت زی طلبگی» آنها تأکید شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۹۹) یا در نظام جامع مالی، اداری و پشتیبانی نیز بر صیانت از کرامت انسانی و ارج‌گذاری متناسب با منزلت معنوی و علمی حوزویان اشاره شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۱۲۵). همچنین، در متن کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه نیز ضمن تأکید بر لزوم بهره‌مندی طلاب از خدمات رفاهی، ارتقای سطح سلامت و معیشت حوزویان و تأمین ضروریات معیشتی آنها با بهره‌گیری از روش‌های جدید، بر حفظ کرامت، عزت، عدالت و رعایت زی طلبگی تأکید شده است (کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۱). در این متن افزون بر حفظ عزت و منزلت طلاب، به هدفمند کردن حمایت‌های مالی متناسب با شئون و رسالت‌های حوزوی نیز اشاره شده است که از دیگر ملاحظات موجود در بحث تأمین معیشت طلاب است. در تبیین اولویت‌ها و برنامه‌های مسئول مرکز امور طلاب و امور دانش‌آموختگان نیز بر هدفمند کردن شهریه، تسهیلات و خدمات حوزویان متناسب با تحصیل، تدریس، تحقیق، مدیریت علمی، فرهنگی، تربیتی و اداری تأکید شده است (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۸۸).

نکته پایانی در این بخش نیز که در اسناد متعددی بدان اشاره شده، تأمین مالی پایدار یعنی توجه به سیاست خوداتکایی مالی است. در منشور حوزه‌های علمیه ذیل سیاست‌های منابع پایدار و موقوفات به زمینه‌سازی جهت جذب و تأمین منابع مالی پایدار در راستای سیاست خوداتکایی مالی حوزه اشاره و بر شناسایی خلأهای قانونی در بخش منابع پایدار تأکید شده است (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۴۵). در نظام جامع امور طلاب و دانش‌آموختگان نیز بهره‌مندی حوزه علمیه از منابع مالی پایدار برای انجام امور خدماتی حوزویان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های حوزه علمیه در چشم‌انداز ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ص ۹۶). افزون بر موارد یادشده در کلیات برنامه پنج ساله در تبیین وضع مطلوب ۱۴۰۴ بر کارآمدی حوزه علمیه در تأمین منابع مالی در راستای خوداتکایی مالی حوزه از طریق منابع پایدار تأکید شده است: «وضع مطلوب در افق ۱۴۱۴: کارآمد در تأمین منابع مالی در راستای خوداتکایی مالی حوزه از طریق ایجاد و توسعه وقف و منابع پایدار، توسعه اقتصاد آموزشی، پژوهشی و نظایر آن، جذب حمایت‌های مردمی و خیرین با تأکید بر بهره‌مندی از وجوه شرعی، اهتمام به ساماندهی نحوه و سطح ارتباط با نهادهای حاکمیتی، ایجاد و استقرار سازکار مناسب اقتصادی جهت جذب و جلب منابع با مبنا قرار دادن نیازها و اولویت‌ها، فرهنگ‌سازی، شفاف‌سازی جذب منابع و هزینه‌کردها، شناسایی و رفع خلأهای قانونی» (کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۷).

۴-۴. تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی

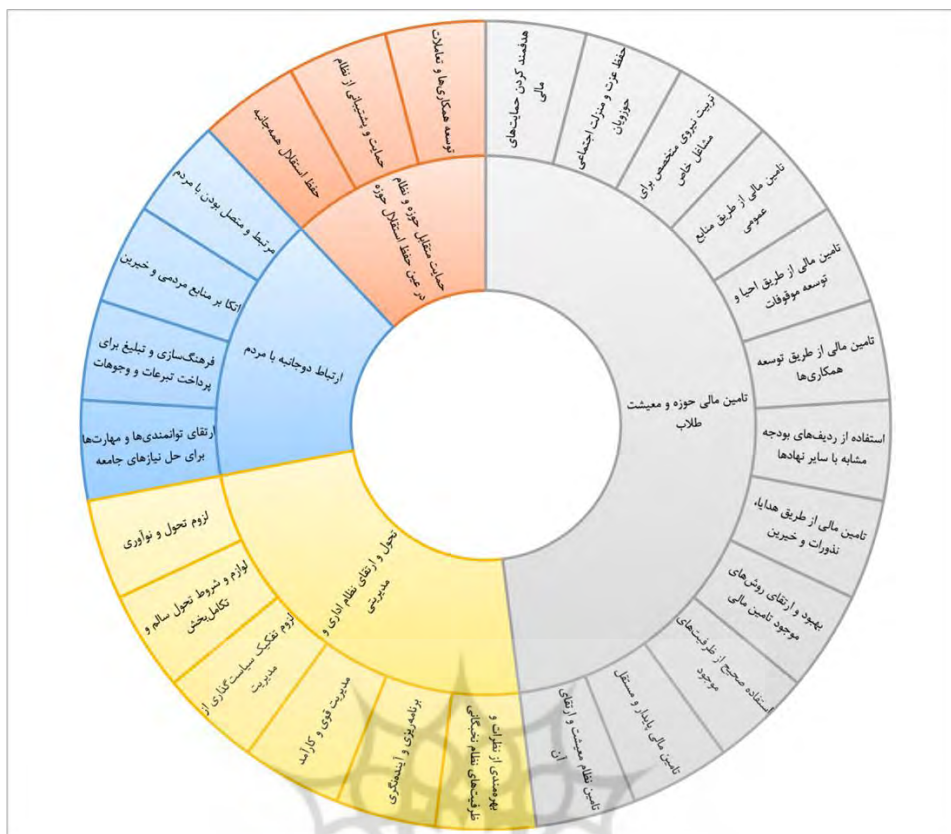
بررسی اسناد بالادستی بیانگر آن است که سه مسئله اصلی در این بخش مدنظر سیاست‌گذاران حوزه‌های علمیه بوده است. نخست مدیریت قوی و کارآمد، دوم برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و درنهایت ملاحظات که در دو فرایند قبل باید مورد توجه باشد. در منشور حوزه‌های علمیه بخشی با عنوان سیاست‌های مدیریتی وجود دارد که نخستین بند آن، ساماندهی مدیریت حوزه‌ها بر پایه اندیشه‌های امام راحل علیه السلام، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مراجع عظام تقلید (مدظله‌الهم) و سیاست‌های شورای عالی حوزه‌های علمیه است. مهم‌ترین نکاتی که در ادامه مطرح شده بدین شرح است: تقسیم کار و اعمال مدیریت شبکه‌ای بین نهادهای حوزوی، تمرکز بر مأموریت‌های اصلی، پرهیز از تصدی‌گری، پرهیز از انجام امور موازی و متداخل با سایر نهادها، صف‌محوری، توسعه اختیارات مدارس و حوزه‌ها، کاهش فرایندهای پیچیده اداری، فعال‌سازی مدیریت شورایی، تقویت بدنه کارشناسی، طراحی و استقرار نظام جامع مدیریتی، چابک‌سازی ستاد و مراکز صنفی و... (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۷-۱۹). تفاوت اصلی مضامین مربوط به نظام اداری و مدیریتی در بیانات رهبری (مدظله‌العالی) و اسناد بالادستی این است که بخشی از بیانات رهبری (مدظله‌العالی) به لزوم وجود سازمان مستقل مدیریت حوزه‌های علمیه اختصاص یافته بود؛ ولی در اسناد بالادستی که این مسئله مفروض بوده، به بررسی نکات و ملاحظات مدیریت قوی و اثربخش پرداخته شده است. در سایر اسناد مانند نظام‌های جامع حوزه علمیه (ص ۱۷-۱۸ و ۱۲۵-۱۲۹)، سند آمایش حوزه‌های علمیه (صص ۱۷، ۲۵ و ۲۸)، کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳ (ص ۵۵ و ۷۲) و سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه (ص ۲۲، ۴۳-۴۴ و ۴۶) نیز همین نکات و ملاحظات مورد توجه بوده است که در جدول پیش‌گفته قابل مشاهده است.

نکات و عبارات متعددی در اسناد بالادستی وجود دارد که مشعر به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری است. از جمله این عبارات در منشور حوزه‌های علمیه عبارت‌اند از: طراحی نقشه جامع تحول در حوزه‌های علمیه، تدوین برنامه‌های بلندمدت راهبردی، تدوین اسناد راهبردی، تدوین برنامه‌های میان‌مدت، سامان‌بخشی و نظام‌مندسازی خروجی‌های حوزه، برنامه‌ریزی به منظور ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی، تدوین نظام جامع تأمین مالی منابع مالی پایدار و... (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۷-۱۹). در کلیات برنامه پنج ساله نیز یکی از مضامین مطرح‌شده در افق چشم‌انداز ۱۴۱۴ بر خورداری از نظام برنامه‌ریزی جامع‌نگر می‌باشد که بدین نحو تنظیم شده است: «آینده‌نگر، تحول‌گرا، واقع‌بینانه، پاسخگو به نیازها، پویا و منعطف در راستای تحقق رسالت و اهداف حوزه‌های علمیه از طریق مطالعات آینده‌پژوهی، پایش محیطی، اندیشه‌ورزی در مسائل کلان و راهبردی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت و طراحی نقشه جامع تحول؛ برخوردار از نظام نظارت و ارزیابی جامع‌نگر، پویا، هدایت‌گر و سازنده در راستای اصلاح و بهبود مستمر و افزایش بهره‌وری از طریق سنجش، ارزیابی و رتبه‌بندی جامع و بازخوردگیری دائمی با تأکید بر مؤلفه‌های کیفیت، کارایی، اثربخشی و رضایت ذی‌نفعان؛ با ایجاد نظام مدیریت داده و اطلاعات یکپارچه، بروز و کارآمد و بهره‌گیری از مشارکت نخبگان، فضلا و نهادهای حوزوی مبتنی بر عقلانیت و خرد جمعی» (کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۲).

سایر ملاحظات از بررسی اسناد بالادستی را می‌توان ذیل عناوین لزوم تحول و نوآوری، لوازم و شروط تحول سالم و تکامل‌بخش، لزوم تفکیک سیاست‌گذاری از مدیریت، بهره‌مندی از نظرات و ظرفیت‌های نظام نخبگانی و شناسایی و رفع مشکلات و موانع حقوقی مطرح نمود. به‌عنوان نمونه، از جمله مواردی که راجع به بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران و نخبگان حوزوی آمده است می‌توان به کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه اشاره کرد که در تبیین وضع مطلوب ناظر به سازماندهی و بهبود روش‌ها و قوانین و مقررات در افق ۱۴۱۴ چنین آمده است: «برخوردار از سازماندهی کارآمد از طریق تدوین و بهبود ساختارها، فرایندها و قوانین و مقررات و تقویت نظام شورایی با تأکید بر تمرکزگرایی در سیاست‌گذاری و واگذاری امور اجرایی به واحدهای صنفی، نظم و انضباط و گردش روان و قانونمند امور متناسب با شئون حوزوی و پرهیز از تداخل کارکردی با بهره‌گیری از مشارکت نخبگان و فضلا و نهادهای حوزوی، مبتنی بر عقلانیت و خرد جمعی» (کلیات برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۳) که در آن بر لزوم تفکیک سیاست‌گذاری از مدیریت و بهره‌مندی از نظرات و ظرفیت‌های نظام نخبگانی تأکید شده است. بررسی اسناد بالادستی در این رابطه نشان می‌دهد که تذکراتی مانند نظام‌مندسازی شناسایی نخبگان برای تأمین نیازهای نظام، حمایت مادی و معنوی از عناصر فرهیخته و متعهد به ارزش‌های حوزه و نظام، حمایت و صیانت از محققان و نخبگان، بهره‌گیری از ظرفیت علمی و مهارتی نخبگان، بهره‌مندی از مشارکت مدیران، استادان و صاحب‌نظران، بهره‌گیری از نظرات نهادهای حوزوی و... همگی در راستای تحقق این مهم می‌باشند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که در شبکه مضامین به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه (شکل ۱) مشاهده می‌شود، چهار مضمون فراگیر، ۲۵ مضمون ساختاری و ده‌ها مضمون پایه در رابطه با اقتصاد حوزه وجود دارد که بر چند نکته اساسی تعامل با مردم و نظام در عین حفظ استقلال و عزت نفس، توجه به تأمین معیشت طلاب و بررسی راهکارهای جدید حفظ و ارتقای آن ضمن تعهد به رویکردهای سنتی حوزه و در نهایت تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی تأکید شده است که زمینه سیاست‌گذاری و مدیریت فرایند رسیدن به تحولات مطلوب را فراهم می‌نماید.



شکل ۱: شبکه مضامین اقتصاد حوزه در اسناد بالادستی

با نگاه اولیه به مضامین فراگیر به دست آمده، ارتباط مضامینی مانند تأمین مالی حوزه و معیشت طلاب با موضوع پژوهش یعنی مباحث مربوط به اقتصاد و تأمین مالی حوزه کاملاً مشخص است؛ اما در خلال بررسی مسائل اقتصادی و تأمین مالی چند مسئله نمود پیدا می‌کند که ارتباط وثیقی با بحث دارند؛ هرچند شاید اگر به صورت مجزا و مستقل در نظر گرفته شوند، بی‌ارتباط با موضوع به نظر برسند. بحث نخست استقلال و عدم وابستگی حوزه است که مهم‌ترین بخش آن، استقلال اقتصادی و استقلال در مدیریت حوزه‌های علمیه است. مسئله دوم مضامین مربوط به نحوه مدیریت حوزه‌های علمیه است که باز به نوعی از همان استقلال حوزه‌های علمیه نشئت می‌گیرد.

افزون‌براین، در بحث مدیریت، به لزوم تحول و ارتقای نظام اداری و مدیریتی هم تأکید شده است. مسئله سوم هم که ناظر به هر دو وجه استقلال اقتصادی و استقلال مدیریتی حوزه‌های علمیه است، بحث چگونگی ارتباط حوزه‌های علمیه با نظام و دولت است که آیا اصلاً باید چنین ارتباط و تعاملی وجود داشته باشد؟! نتایج حاصل از شبکه مضامین به دست آمده از مرور اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که باید بین حوزه‌های علمیه و نظام و دولت ارتباط و تعامل دوطرفه وجود داشته باشد و این دو ملزم به حمایت از یکدیگر هستند. البته لازمه تعامل با نظام و دولت این است که خللی در استقلال حوزه به وجود نیاید و استقلال همه‌جانبه آن حفظ شود که این مهم در اسناد گوناگون مورد توجه بوده است.

منابع

۱. بیک خورمیزی، فرزانه. (۱۴۰۰). «واکاوی تجارب دانشجویان پیام نور از فرایند تحصیل در شرایط کرونا به روش تحلیل مضمون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گلپایگان: دانشگاه پیام نور.
۲. حسین‌عسکری، فرزانه. (۱۳۹۹). «چالش‌های تدوین سیاست‌های توسعه در ایران باب استفاده از روش تحلیل مضمون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
۳. دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. (۱۴۰۱). سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۴. رحیمی‌مقدم، فائزه. (۱۴۰۰). «تحلیل مضمون تکنیک‌های رسانه‌ای داعش در القای قدرت». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
۵. شیخ‌زاده، محمد و رضا بنی‌اسد. (۱۳۹۹). تحلیل مضمون (مفاهیم، رویکردها و کاربردها). تهران: لوگوس.
۶. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و محمد شیخ‌زاده. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۱۰): ۱۵۱-۱۹۸.
۷. مرکز امور طلاب و دانش‌آموختگان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه. (۱۴۰۰). کارویژه‌های روحانیت در عرصه‌های حوزه‌های علمیه، جامعه، نظام و بین‌الملل. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
۸. همو. (۱۴۰۰). کلیات سند آمایش حوزه‌های علمیه. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
۹. همو. (۱۴۰۰). نظام‌های جامع حوزه‌های علمیه. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۰. همو. (۱۴۰۱). کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
۱۱. همو. (۱۴۰۱). منشور حوزه‌های علمیه (اصول، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان). قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.

References

12. Abedi Jafari, H.; Taslimi, M. S.; Faghihi, A.; & Sheikhzadeh, M. (2011). "Thematic Analysis and Theme Networks: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data." *Strategic Management Thought*, 5*(10), 151-198. [In Persian].
13. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1*(3), 385-405.
14. Bakht-Azmāy Bonab, M., & Montazer Khorasan, H. (2017). Investigating the thematic analysis method in qualitative research [Conference paper]. The Third International Conference on Management and Industrial Engineering, University of Mohaghegh Ardabili, Tehran, Iran. [In Persian]
<https://civilica.com/doc/757021>
15. Beik Khormizi, F. (2021). *Analyzing the Experiences of Payame Noor University Students in the Educational Process During COVID-19 Using Thematic Analysis.* Master's Thesis. Golpayegan: Payame Noor University. [In Persian]
16. Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage.
17. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3*(2), 77-101. DOI: [10.1191/1478088706qp063oa](https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa)
18. Braun, V., Clarke, V., & Terry, G. (2021). *Thematic analysis: A practical guide*. SAGE Publications Ltd.
19. Center for Seminarians and Graduates Affairs, Islamic Seminaries Management Center (2021). "The Roles of

- Clergy in the Domains of Seminaries, Society, the Political System, and International Affairs." Qom: Strategic Planning and Monitoring Office Think Tank. [In Persian]
20. Deputy of Education of Seminaries. (2020). *General outline of the strategic and operational plan (Seminaries for graduates of universities)* [Report]. Think Tank of the Strategic Planning and Monitoring Office. [In Persian]
 21. Deputy of Research of Seminaries. (2020). *Comprehensive scientific map of seminaries* [Report]. Think Tank of the Strategic Planning and Monitoring Office. [In Persian]
[DOI: 10.1191/1478088706qp063oa](https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa)
 22. Given, L. M. (2008). *The SAGE encyclopedia of qualitative research methods*. SAGE Publications.
 23. Hossein-Askari, F. (2020). "Challenges of Formulating Development Policies in Iran Using Thematic Analysis Method." Master's Thesis. Kerman: Shahid Bahonar University. [In Persian]
<http://dx.doi.org/10.1177/146879410100100307>
 24. Morvārid, Z. (2018). *Thematic analysis of the hadiths "Laysa Minna" in Shiite hadith collections* [Master's thesis, Ferdowsi University]. [In Persian]
 25. Qahari, S. M. (2021). *Thematic analysis of narrations in the book Kifayat al-Athar fi al-Nass ala al-A'imma al-Ithna Ashar* [Master's thesis, Rajaei Teacher Training University]. [In Persian]
 26. Rahimi-Moghaddam, F. (2021). "Thematic Analysis of ISIS Media Techniques in Power Projection." Master's Thesis. Kerman: Shahid Bahonar University. [In Persian]
 27. Sheikhzadeh, M., & Bani-Asad, R. (2020). *Thematic Analysis (Concepts, Approaches, and Applications)*. Tehran: Logos Publications. [In Persian]
 28. Strategic Planning and Monitoring Office (2021a). "Comprehensive Systems of Islamic Seminaries." Qom: Islamic Seminaries Management Center, Strategic Planning and Monitoring Office Think Tank. [In Persian]
 29. Strategic Planning and Monitoring Office (2021b). "General Outline of the Spatial Planning Document for Islamic Seminaries." Qom: Strategic Planning and Monitoring Office Think Tank. [In Persian]
 30. Strategic Planning and Monitoring Office (2021c). "Vision Document for Islamic Seminaries." Qom: Islamic Seminaries Management Center, Strategic Planning and Monitoring Office Think Tank. [In Persian]
 31. Strategic Planning and Monitoring Office (2022). Vision Document for Seminaries. Qom: Think Tank of the Strategic Planning and Monitoring Office, Islamic Seminaries Management Center. [In Persian]
 32. Strategic Planning and Monitoring Office (2022a). "Charter of Islamic Seminaries (Principles, Policies, and Macro Programs)." Qom: Strategic Planning and Monitoring Office Think Tank. [In Persian]
 33. Strategic Planning and Monitoring Office (2022b). *General Outline of the Five-Year Plan of the Islamic Seminaries Management Center (2020–2024).* Qom: Strategic Planning and Monitoring Office Think Tank. [In Persian]
 34. Terry, G., Hayfield, N., Clarke, V., & Braun, V. (2017). Thematic analysis. In *The SAGE handbook of qualitative research in psychology* (pp. 17–37). Sage UK.